

باران خلاف نیست
کوزش علیانی

مستانه
Mestaneh



سازمان فرهنگ و هنر
شهرداری تهران

فرهنگ سرای پایداری

باران خلاف نیست

کوروش علیانی

نوبت چاپ: اول، ۱۳۸۶، تیراز: ۳۰۰۰ نسخه

طراح جلد و تصویرگر: رضا وجدانی

صفحه آرا و ناظر چاپ: کیومرث کلامن

لیتوگرافی و چاپ: هنر چاپ و گرافیک

قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۰۰۷-۰۹-۲

حقوق چاپ و نشر محفوظ است.

تلفن: ۰۲۸-۳۳۲۵۰۰۲۹ - ۳۳۲۵۰۰۲۹ info@mostanad.net

یادداشت‌های کورشن علیانی همان‌طور که خودش نوشته، ادای دینی است به حاج اسماعیل دولابی که زمانی خیلی‌ها را اسیر محبت خود کرده‌بود. حرف‌های حاج اسماعیل نیست اما خواندنی است و رنگ او را دارد.

حاج اسماعیل بازمانده‌ی نسلی از آدم‌های مذهبی اهل معنا بود. همه را به آسان‌گیری، گذشت و اطمینان به رحمت خدا دعوت می‌کرد. مردی با چهره‌ی گندمی، موهای کوتاه، شب‌گلایه مشک‌ی و انگشتر عقیق و فیروزه، که گنجینه‌ای از حرف‌های دل‌نشین، امیدآفرین و زیبا بود.

نشر مستند

چندبار حضور در جلسه‌های حاج اسماعیل دولابی تجربه‌ای تکرارنشده است. وصفش، بررسی‌اش، دانستن این که چه بود، راست بود یا راست‌تر بود یا چه، و کارهایی از این دست از من ساخته نیست. تجربه‌ای بود و گذشت و خوش گذشت و رفت.

هنرپیشه‌ی خوب و معروفی هست که آن چند جلسه که میان مردم نشستم و به حاج اسماعیل دولابین گوش دادم و دل دادم و جان دادم، او را مثل خودم میان مردم می‌دیدم. سال‌ها بعد از این که حاج اسماعیل دولابی از دنیا رفت، او فیلمی بازی کرد. در آن فیلم سه شخصیت عجیب من را یاد حاج اسماعیل دولابی می‌انداختند. نقش هر سه را همین هنرپیشه بازی کرده بود. این شاید نوعی ادای دین به مردی بود که مدتی ما را مهمان سفره‌ی آرامش کرده بود.

من هم مثل او مهمان این سفره بودم. ابزار کار من حالات بیان و چهره و تن نیست، ابزار کار من واژه است. اگر او کوشید و سه بار - یا سه بار - حاج اسماعیل دولابی را بازی کرد تا مردم ببینند، من هم با واژه‌ها صد و یکی دو روز کوشیدم مانند او را بسازم. من او نیستم. نخواهم بود. در آرزوی چون او بودن هم نیستم و نخواهم بود. این تنها قدرشناسی‌ای کوچک بود از مردی که ما را مهمان سفره‌ی آرامش کرده بود. این‌ها که می‌خوانید بازی من است، مثل بازی آن هنرپیشه. تقلیدی است. اصل نیست. بنا هم نیست و نبوده که اصل باشد. رنگ او را دارد، اما واژه‌ها و گاه حتی نگاه من را.

کوروش علیانی